

# پرسش‌ها و پاسخ‌ها ویژه محرم

فلسفه گریه بر امام حسین (ع)

بسمه تعالی

سؤالی که ممکن است برای بسیاری از افراد مطرح شود آن است که چرا در بسیاری از روایات گریه بر امام حسین (ع) سفارش شده است؟ یا ممکن است گفته شود که اگر قبول داریم امام حسین (ع) با شهادت خویش به بالاترین مرحله سلوک رسیده اند دیگر اشک ریختن برای او چه معنا دارد؟ شهید مطهری (ره) در توضیح و پاسخ به این مسئله می نویسند:

«یادم هست که در ایام تحصیل و اقامتم در قم کتابی از محمد مسعود نویسنده معروف آن زمان می خواندم که در آن کتاب، نویسنده مقایسه‌ای میان امام حسین (ع) و مسیح (ع) کرده بود؛ نوشته بود که عمل مسیحی‌ها بر عمل مسلمین ترجیح دارد، زیرا آن‌ها روز شهادت مسیح (ع) را جشن می گیرند و شادمانی می کنند ولی این‌ها در روز شهادت امام حسین (ع) مرثیه خوانی و گریه می کنند. عمل آن‌ها بر عمل این‌ها ترجیح دارد، زیرا آن‌ها شهادت را برای مسیح (ع) موفقیت می دانند نه شکست، و چون موفقیت می دانند شادمانی می کنند، اما مسلمین شهادت را شکست می دانند و در نتیجه گریه می کنند. خوشا به حال ملتی که شهادت را موفقیت بشمارد و جشن بگیرد، و بدا به حال ملتی که شهادت را شکست بداند و به خاطر آن مرثیه خوانی کند!!»

جواب این است که اولاً دنیای مسیحی که این شهادت را جشن می گیرد، روی همان اعتقاد است که می گوید عیسی (ع) کشته شد تا بار گناه ما بریزد، و چون به خیال خودش سبکبال شده و استخوانش سبک شده آن را جشن می گیرد، و این یک خرافه است.

ثانیاً این همان فرق اسلام و مسیحیت تحریف شده است که اسلام یک دین اجتماعی و مسیحیت دینی است که همه آن چیزی که دارد اندرز اخلاقی است. گاه به یک حادثه از نظر فردی نگاه می کنیم و گاه از نظر اجتماعی. از نظر اسلام، شهادت امام حسین (ع) از دیدگاه فردی یک موفقیت بود. امام علی (ع) وقتی که تیغ بر فرقش فرود آمد این طور حرف می زنند: «به خدا قسم، مرگ، یک ذره مورد کراهت من نیست. و من آرزوی چنین روزی را داشتم. به خدا قسم، مَثَل من، مَثَل آن عاشقی است که به معشوق خود رسیده باشد.»

این از نظر شخصی و فردی. اما اسلام یک طرف دیگر هم دارد؛ قضایا را همیشه از جنبه شخصی مطالعه نمی‌کند. از جنبه اجتماعی هم مطالعه می‌کند.

### جنبه اجتماعی شهادت امام حسین (ع) و فلسفه گریه بر ایشان

۱- بدیهی است از نظر پیروان شهید که از فیض بهره مندی از حیات او بی بهره مانده اند، شهادت شهید تأثر آور است، آنکه بر شهادت شهید اظهار تأثر می‌کند در حقیقت به نوعی بر خود می‌گرید.

۲- حادثه عاشورا از جنبه اجتماعی و نسبت به کسانی که مرتکب آن شدند، مظهر یک انحطاط در جامعه اسلامی بود. این همان آخی است که یک ملت می‌گوید: «ما مسلمان‌ها چنین کاری کردیم؟ لعنت به کسانی که چنین کاری کردند، پس دیگر چنین کاری نکنیم.» لذا دائماً باید یادآوری بشود که دیگر نگذارند آن چنان زمینه‌ها پیدا شود. همچنانکه می‌بینیم نام یزید و ابن زیاد و امثال آن‌ها به صورتی درآمده که هر کس در مکتب عزاداری واقعی امام حسین (ع) تربیت شده باشد، از کوچکترین تشبیه به آن‌ها در عمل ابا دارد.

۳- این موضوع برای صیقل دادن احساسات اسلامی و انسانی است. در واقع خنده و گریه مظهر شدیدترین احساسات انسان می‌باشند. اما معمولاً درباره گریه اشتباه می‌کنند، خیال می‌کنند گریه همیشه معلول درد و ناراحتی است و خود گریه امری نامطلوب است. در حالی که گریه همیشه ملازم است با نوعی رقت و هیجان. اشک شوق و عشق را همه می‌شناسیم. در حالت گریه، انسان بیش از هر حالت دیگر خود را به محبوبی که برای او می‌گرید نزدیک می‌بیند، در حالی که خنده و شادی بیشتر جنبه شخصی و در خود فرورفتن دارد و گریه بیشتر جنبه از خود بیرون آمدن و خود را فراموش کردن و با محبوب یکی شدن دارد.

در رثای قهرمان باید گریست برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا شود و تا اندازه‌ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کند، عدالتخواه بشود، با ظلم و ظالم نبرد کند، آزادیخواه باشد، بفهمد که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه.

(منابع: حماسه حسینی - شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی - شهید مطهری)

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «هر کس مصیبت ما را یاد آورد و برای آنچه با ما کرده اند بگرید ما با او قیامت، و هر کس مصیبت ما را یاد دیگران آورد و خود نگرید و دیگران را بگریاند، چشم او نگیرد آن روز که همه چشم‌ها می‌گیرند و هر کس بنشیند مجلسی که امر ما را آنجا احیای شود و او نمیرد روزی که همه دل‌ها می‌میرد.»